



ماهیت سیاست‌های نژادپرستانه دونالد ترامپ در قبال سیاه‌پوستان آمریکا: از ۲۰۱۶ تا فراگیری پاندمی کرونا



عبدالرضا عالیشاهی* - دکتر حسین مسعودنیا**
حمید سلیمانی سوچلمانی*** - علی محمد دوست****

چکیده

یکی از معضلات چالش برانگیز در تاریخ سیاسی ایالات متحده مسأله سیاه‌پوستان این کشور بوده است. مسأله‌ای که هراز چندگاهی عموماً با قتل و دستگیری و شکنجه عده‌ای از آنان همراه می‌گردد. مسأله مهم در این میان این است که به رغم شعارها، لوایح و قوانینی که در حمایت از سیاه‌پوستان آمریکایی در مجلس این کشور وضع می‌گردد، اما کماکان وضعیت بغرنج سیاهان آمریکایی نشان می‌دهد شکاف‌های عمیق کماکان میان جمعیت سفیدپوستان و سیاه این کشور وجود دارد. در میان روسای جمهوری ایالات متحده حتی حضور افرادی همچون باراک اوباما و رنگین پوست نیز نتوانست گره از چالش‌های وسیع سیاهان بگشاید. در نهایت با ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید در سال ۲۰۱۶ علناً سیاه‌پوستان آمریکایی به مرز انزوای کامل سیاسی و بیشترین محرومیت‌های اقتصادی و بیشینه چالش‌های فرهنگی و اجتماعی با دولت فدرال رسیدند. این مقاله تلاشی است برای ارائه پاسخی مستدل به این سوال که: وضعیت سیاه‌پوستان آمریکایی در زمان دونالد ترامپ به چه صورتی بوده است؟ فرضیه نویسندگان حکایت از این مسأله دارد که از ابتدای ریاست جمهوری ترامپ تا پایان سال ۲۰۲۰، محرومیت‌ها و چالش‌ها و تبعیض‌های سیاه‌پوستان این کشور روبه تشدید نهاده است. یافته‌های مقاله با استفاده از نظریه شکاف‌های اجتماعی و روش تفسیری (روش تحقیق) نشان‌دهنده چالش‌های عمیق سیاه‌پوستان در سه مسأله سیاسی، اقتصادی و امنیتی می‌باشد که این مسأله در نهایت می‌تواند بستر ساز وقوع دو نوع بحران کلان در ایالات متحده گردد.

کلیدواژگان

شکاف‌های اجتماعی، تبعیض، چالش‌های سیاسی، دونالد ترامپ، سیاه‌پوستان

* نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی / ایمیل: abdolrezaalishahi@atu.ac.ir

** دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه مدیریت، واحد ساری طباطبایی، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

**** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبایی.

مقدمه

تاریخ ایالات متحده بعضاً شاهد جنگ‌ها، اعتراضات و کشمکش‌های سیاسی در عرصه داخلی بوده است. یکی از چالش‌های عمیق مهمی که همواره حیات سیاسی ایالات متحده به طرز ملموسی آن‌را درک کرده است، اعتراضات گسترده سیاه‌پوستان و تظاهرات آنان در قبال سیاست‌های تبعیضی و محرومیت‌های فزاینده و انزوای آنان بوده است. مسأله‌ای که حتی جنگ‌های داخلی آمریکا که در خلال سال‌های ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ به وقوع پیوست، به طور مستقیم ناشی از مسأله برده‌داری و تبعیض نژادی بود (Shafiei, 2009: 36). مسأله مهم در این میان تبیین این مسأله است که جمهوریخواهان ایالات متحده در ابتدا حامی آزادی سیاه‌پوستان و برده‌ها بودند و آبراهام لینکلن در راستای استیفای حقوق سیاهان اقدامات بسیار گسترده‌ای انجام داد به نحوی که در ادامه دموکرات‌ها که در مناطق جنوبی ایالات متحده و با اتکا بر اقتصاد مبتنی بر کشاورزی، نظام برده‌داری و بیگاری از سیاهان را برای چندین دهه کاملاً قانونی کرده بودند را مجبور به پذیرش آزادی برده‌ها نمود (Miller and Garren, 2017: 66). این سیاست در ادامه دچار استحاله‌ای عمیق گردید به نحوی که در ابتدای قرن ۲۰ دموکرات‌ها که از حاکمیت و ریاست مطلق چهل ساله جمهوریخواهان متضرر شده بودند، در یک چرخش پارادایمی گسترده، نفوذ خود در میان ایالت‌های شرقی، شمال شرقی و مناطقی که عمدتاً مهاجرین تازه وارد را به خاک ایالات متحده پذیرا بود معطوف نموده و با شعار حمایت از معیشت، اقتصاد، خانواده و بیمه سیاهان و رنگین‌پوستان توانستند طیف‌های وسیعی از آنان را با خود همراه سازند تا جایی که برده‌داری و نژادپرستی که زمانی نماد دموکرات‌ها به شمار می‌رفت، به ابزار و سیاستی در راستای جذب سیاهان و دیگر رنگین‌پوستان آمریکایی درآمد. از آن بازه زمانی به بعد، دموکرات‌ها حامی سیاهان و سایر رنگین‌پوستان و جمهوریخواهان به حامیان اصلی سفیدپوستان مبدل شدند (Lachman, 2018: 106).

مسأله مهم دیگر در خصوص وضعیت سیاه‌پوستان آمریکایی تبیین این مسأله است که به رغم بهبود وضعیت ابتدایی و اسفناک سیاهان در ایالات متحده، مسأله باز بودن دست سفیدپوستان در اعمال اقدامات تبعیض‌آمیز علیه سیاهان این کشور بوده است به نحوی که در ابتدای دهه ۱۹۰ میلادی سفیدپوستان آمریکایی به راحتی می‌توانستند سیاهان این کشور را از زندگی در یک منطقه محروم کنند و سیاهان بعضاً حق ورود به رستوران‌ها، پارک‌ها و حتی برخی از مناطق عمومی را نیز نداشتند و حتی آبخوری‌های مورد استفاده سیاهان و سفیدپوستان در معابر و خیابان‌ها نیز تفکیک شده بود (Bonilla-Silva, 2017: 91). اما وقوع جنگ جهانی دوم را باید نقطه

¹. American Civil War

عطفی در بهبود وضعیت حقوقی- سیاسی سیاهان آمریکایی تلقی نمود. تظاهرات وسیع سیاه‌پوستان در اعتراض به فاشیسم^۱ و در ادامه تحقق آزادی بیشتر بسترساز وقوع برخی از رویدادهای حقوقی- سیاسی مهمی به نفع سیاهان گردید. موافقت با ادغام واحدهای نظامی سیاهان به ارتش ایالات متحده و لغو جدایی نژادها در آموزش این کشور برخی از مهم‌ترین دستاوردهای مذکور بود (Metzl, 2020: 40).

با حضور دونالد ترامپ در راس سیاستگذاری ایالات متحده در سال ۲۰۱۶ میلادی، چند مسأله سیاه‌پوستان این کشور را درخصوص برنامه‌ها و وعده‌هایش در کارزار انتخاباتی مورد تردید قرار داده بود: نخست؛ به رغم وعده‌های مکرر ترامپ درخصوص حمایت و توسعه برنامه‌های بهبود وضع اقتصادی و معیشتی و اشتغال‌زایی برای سیاه‌پوستان، علنا طیف هواداران و حامیان حلقه نخست ترامپ را سفیدپوستان رادیکال و سرمایه‌داران صنایع بزرگ تشکیل می‌دادند؛ دوم آنکه مسأله مهاجرت سیاهان و دیگر نژادهای رنگین پوست به شدت از سوی ترامپ مورد نفی و انتقاد واقع گردید و این زنگ خطر بزرگی برای سیاهان و دیگر نژادها به شمار می‌رفت و در نهایت اینکه بسیاری از سیاه‌پوستان که در انتظار دریافت کارت شهروندی بودند به رغم درخواست‌ها و پرسش‌های متوالی از ترامپ در دوران رقابت‌های انتخاباتی، پاسخ اطمینان بخشی از او دریافت نکردند (Cooper, 2020: 78). درهرصورت، وعده‌های اقتصادی، ایجاد اشتغال‌زایی، حمایت از صنایع خرد، گسترش خدمات بیمه‌دهی و ... مجموعه مواردی بود که طیف زیادی از سیاه‌پوستان را به سمت و سوی ترامپ متمایل نمود هرچند کماکان بسیاری از سیاه‌پوستان وفادار به حزب دموکرات و نامزد وقت آن دوره یعنی هیلاری کلینتون باقی ماندند. باپیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری، از همان ابتدای مشخص گردید که کابینه وی را سفیدپوستان رادیکال و سرمایه‌داران محافظه‌کار تشکیل خواهند داد. حضور نومحافظه‌کارانی همچون جیمز متیس، مایک پمپئو و در ادامه جان بولتون و... از همان ابتدا نشان داد سیاست‌های ترامپ در عمل به نفع طبقه سرمایه‌داران سفیدپوست آمریکایی بوده و سیاه‌پوستان این کشور نمی‌توانند امید زیادی برای بهبود شرایط حقوقی و سیاسی خود قائل باشند (McKee, 2020: 85). سیاست‌های اتخاذ شده ترامپ به ویژه از ابتدای سال ۲۰۱۸ به سمت و سوی تعمیق تنش‌ها با مسئولین، فرمانداران، سناتورها و نمایندگان رنگین‌پوست آمریکایی سوق یافت چرا که مجموعه سیاست‌های اتخاذ و اجرا شده از سوی ترامپ به تضررهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بزرگی برای سیاهان منتهی گردید. به همین سبب ترامپ در پاسخ به اعتراضات این افراد در توییت‌های مکرر به تخریب، تحقیر و توهین سیاه‌پوستان این کشور مبادرت نمود و یک جنگ رسانه‌ای تمام عیار را علیه مسئولین سیاه‌پوست آمریکایی آغاز نمود به نحوی که تنها در خلال ماه‌های فوریه

^۱. Fascism

۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹ بیش از ۱۰۰ توثیق در مذمت و نکوهش و تحقیر سیاه‌پوستان صادر کرد. اقدامات ترامپ در مسائل نژادپرستانه تا حدی پیش رفت که اگر واژه «Racist» را در توثیق سرچ کنیم، نام ترامپ در صدر قرار می‌گیرد (Enrich, 2020: 119). اوج سیاست‌های نژادپرستانه ترامپ در قبال سیاه‌پوستان، سه مسأله کلان بوده است: نخست؛ تشبیه مکان زندگی سیاهان این کشور با الفاظ رکیکی و به دور از رسومات دیپلماتیکی همچون چاه موش و خرابه و...؛ دوم؛ ادعای سنگین آمریکایی نبودن بسیاری از مسئولین سیاه‌پوست آمریکایی همچون باراک اوباما و کاملا هریس و سوم؛ پیشنهاد بازگشت به سیاه‌پوستان آمریکایی برای بازگشت به دیار اصلی و اجدادی‌شان (آفریقا) و جایگزینی اروپایی‌های سفیدپوست همچون نروژ به جای آنان در خاک آمریکا (Black, 2020: 89-91).

با این مقدمات اجمالی، مقاله کنونی جستاری است از تجربه و تحلیل و بررسی وضعیت سیاه‌پوستان آمریکایی در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ. به دیگر سخن، فارغ از اینکه ترامپ و سیاست‌های اتخاذ شده از سوی وی در ایالات متحده را موفقیت آمیز یا شکست خورده بدانیم یا خیر بایستی به تحلیلی به دور از هرگونه جهت‌گیری ارزشی و پیش‌داوری‌های مغرضانه پردازیم که میزان شکاف‌های اجتماعی و محرومیت‌های سیاه‌پوستان در ایالات متحده در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ نسبت به روسای جمهور سابق تشدید گردیده است یا خیر؟ فرضیه نویسندگان بیانگر آن است که دوران ریاست جمهوری ترامپ محرومیت‌ها و تبعیض‌ها علیه سیاه‌پوستان این کشور رو به تشدید نهاده است و این مسأله ایجاد کننده چالش‌های عمیق سه گانه برای سیاه‌پوستان گردیده است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. روش تحقیق مقاله کنونی تفسیری بوده و برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی استفاده شده است. در خصوص روش تفسیری بایستی اذعان داشت که مهم‌ترین کارکرد این روش این است که محقق با تمسک به تفسیر گرای، به فرایند فهم یک پدیده سیاسی دست می‌یابد. در روش تفسیری، نویسنده به تفسیر تمام افعال معنادار انسان و پیامدهای این رفتارهای معنادار مبادرت می‌کند (Moaddab and Ezzati, 2019: 56-58). به عنوان مثال، در راستای تبیین وضعیت محرومیت و شکاف‌های موجود میان سفیدپوستان و سیاه‌پوستان در ایالات متحده و سیاست‌های ترامپ در قبال آنان با استفاده از این نوع روش تحقیق، نویسندگان به تفسیر تمام افعال معنادار انسان (سیاست‌های ترامپ در قبال سیاه‌پوستان) و پیامدهای این رفتارهای معنادار (پیامدهای سیاست‌های تبعیض آمیز ترامپ علیه سیاهان آمریکایی) مبادرت می‌کنند.

۱- پیشینه

علیرضا شفیعی در کتابی با عنوان «شکاف اجتماعی و انحطاط در جامعه آمریکا» در فصل

نخست کتاب، تاریخچه مختصری از جامعه آمریکا، چگونگی کشف قاره آمریکا و شیوه ورود مهاجران به آن دیار را بررسی نموده است. سپس در فصل دوم، به عوامل کلی انسجام جامعه آمریکا از جمله، رفاه، تبلیغات، نظم، امنیت و همراهی روشنفکران و نخبگان پرداخته است. در فصل سوم، نقش گروه‌های گریز از مرکز از جمله گروه‌های فعال سیاسی در جامعه آمریکا (مهاجران) و تقسیم‌بندی ایالت‌ها و نحوه برخورد دولت مرکزی با این مسائل ارزیابی می‌شود. نگارنده در فصل پایانی ضمن مطرح نمودن تعریفی مشروح از شکاف‌های اجتماعی به جنبه‌های مختلف شکاف در جامعه آمریکا، نقش نظام آموزش، اقتصادی، اجتماعی، لیبرالیسم و... در ایجاد شکاف در این جامعه و همچنین شاخصه‌های بروز شکاف‌ها اختصاص دارد.

سارا پوزنر^۱ در کتابی با عنوان « نامقدس: چرا انجیلی‌های سفید در محراب دونالد ترامپ عبادت می‌کنند؟! »^۲ به ترسیم وضعیت حمایت‌های بی بدیل ترامپ از سفیدپوستان می‌پردازد. نویسنده در این کتاب ابتدا این مسأله را مطرح می‌کند که ترامپ همواره از قدرت گرفتن طیف‌های غیرسفیدپوست در آمریکا نگران بوده است. وی در ادامه با رهیافت‌های اقتصادی، به محرومیت طیف وسیعی از سیاه‌پوستان، الغای شهروندی و حتی بیکاری و بی خانمانی و عدم تعلق بیمه به آنان مبادرت نموده است. به عقیده نویسنده در نگاه ترامپ، سیاه‌پوستان آمریکایی هیچ استعدادی در تحقق شعار «آمریکای بزرگ ترامپ» ندارند بلکه به مثابه موجوداتی خطرناک و مزاحم تلقی می‌شوند که همواره توسعه این کشور را با موانع جدی مواجه کرده‌اند.

شایریش دیت^۳ در کتابی با عنوان « ابله مفید: چگونه دونالد ترامپ حزب جمهوری خواه را با نژادپرستی و بقیه ما را با ویروس کرونا کشت؟! »^۴ ابتدا این مسأله را مطرح می‌کند که سیاست‌ها و وعده‌های ترامپ در جریان رقابت‌های انتخاباتی همگی فریبی بیش نبوده است. ترامپ تنها حامی و حافظ منافع سفیدپوستانی متمول جامعه آمریکاست و هیچ تعهدی به اقشار ضعیف و پائین جامعه ندارد. نویسنده معتقد است اقدامات نابخردانه ترامپ به ویژه در دوران شیوع ویروس کرونا، تنها بدنامی و ضعف و ناتوانی را نصیب حزب جمهوری خواهان کرد و با اقدامات نژادپرستانه خود، طیف وسیعی از جریان‌های خاکستری آمریکایی را به سمت و سوی دموکرات‌ها سوق داد.

مایکل دایسون^۵ در کتابی با عنوان: «مدت زمانی طولانی: رسیدگی به حساب نژادها در

¹. Sarah Posner

². Unholy: Why White Evangelicals Worship at the Altar of Donald Trump

³. Shirish Date

⁴. The Useful Idiot: How Donald Trump Killed the Republican Party with Racism and the Rest of Us with Coronavirus

⁵. Michael Dyson

آمریکا» ابتدا این پرسش اصلی را مطرح می‌کند که جایگاه نژادها در تاریخ ایالات متحده چگونه بوده است؟ نویسنده در ادامه فرضیه خود را بر این مبنا قرار می‌دهد که نژاد سفید در تاریخ حیات ایالات متحده به سه لحاظ سیاست، اقتصاد و فرهنگ، تمامی نهادهای اثرگذار آمریکا را تحت سیطره خود قرار داده‌اند. چنین اقداماتی از سوی سفیدپوستان در گام نخست، به تعمیق شکاف و گسترده‌گی فاصله طبقاتی میان سفیدپوستان و سیاهان منجر گردیده‌است. به تعبیر نویسنده، سفیدپوستان همواره نگاهی مبتنی بر نفرت و خشم بر سیاهان این کشور داشته و آنان را مستحق ارائه خدمات رفاهی نمی‌دانند. از طرفی، سیاهپوستان آمریکایی به همراه سرخ پوستان و دیگر نژادها همواره از حقوق تخصیص شده خود گله مندند و این روند در تاریخ آمریکا با نوساناتی مواجه بوده است. نکته جالبی که نویسنده در فصل‌های سوم و چهارم به آن اشاره می‌کند این مسأله است که حتی نخبگان علمی سیاهپوست که از دیگر کشورها به ایالات متحده مهاجرت می‌کنند با مشکلات قانونی فراوانی مواجه می‌شوند. نویسنده در فصل‌های پنجم و ششم علت مشکلات، محرومیت و بحران سیاهپوستان و دیگر نژادها را در ایالات متحده یک بحران تاریخی می‌داند و معتقد است مادامی که «قانون» در ایالات متحده به ویژه در مسائلی همچون تحصیل، اشتغال و اقتصاد برای سیاهان و سفیدپوستان به صورت برابر و عادلانه توزیع نگردد، مشکل آنان حل‌شدنی نخواهد بود.

خوزه کاسادياس و کوین کوروس^۱ در مقاله ای با عنوان «تبعیض نژادی در ایالات متحده: یک بحران ملی سلامت که راه حلی ملی برای سلامتی را می‌طلبد»^۲ مجموعه بحران‌ها و محرومیت‌های سیاهپوستان آمریکایی را از منزله بحران بهداشت و سلامت سیاهان مورد مذاقه قرار داده‌اند. به تعبیر نویسندگان حضور بسیاری از سیاهپوستان در مناطق حاشیه‌ای شهرهای بزرگ و کوچک به سبب بی‌خانمانی، فقر، بیکاری، فقدان بیمه و ... بسترساز مشکلات سلامت و بهداشتی بسیاری برای سیاهپوستان گردیده است. این مسأله جدای از شیوع بیماری‌های ویروسی و میکروبی، چهره اجتماعی ناپسندی را از ایالات متحده برای جهانیان ترسیم کرده است. به تعبیر نویسندگان بایستی یک عزم ملی در ایالات متحده برای حمایت از سیاهپوستان شکل بگیرد در غیراین صورت هزینه‌های اقتصادی و انسانی حل این بحران برای مسئولین و سیاستگذاران ایالات متحده چندین برابر خواهد گردید.

مقاله کنونی اما با محوریت قرار دادن مسأله شکاف‌های اجتماعی، به تجزیه و تحلیل وضعیت

^۱. Long Time Coming: Reckoning with Race in America

^۲. Jose Causadias and Kevin Korous

^۳. Racial Discrimination in the United States: A National Health Crisis That Demands a National Health Solution

سیاه‌پوستان ایالات متحده و سیاست‌های پراگماتیستی ترامپ که در عمل به تعمیق گسست‌ها و شکاف‌های اجتماعی سفیدپوستان از سیاهان این کشور گردیده است مبادرت خواهد نمود.

۲- مبانی نظری: تئوری شکاف‌های اجتماعی

مقوله شکاف اجتماعی یکی از اساسی‌ترین موضوعات جامعه‌شناسی سیاسی تلقی می‌گردد که جایگاه ویژه‌ای در تحلیل و بررسی ساختارهای یک نظام اجتماعی دارد. در اهمیت مفهوم شکاف‌های اجتماعی همین نکته کفایت می‌کند که برخی از صاحب‌نظران، شناخت، تبیین و تحلیل مفهوم شکاف‌های اجتماعی را وظیفه نخست جامعه‌شناسان می‌دانند. نکته مهم در این میان این است که شکاف اجتماعی عملاً موجب تفکیک و تقسیم گروه‌های فعال در جامعه می‌گردد. واقعیت نیز حکایت از این مسأله مهم دارد که حیات سیاسی در هر نظامی به انحاء مختلف، تحت تأثیر شکاف‌های اجتماعی آن و نحوه صورت‌بندی آن شکاف‌ها قرار می‌گیرد. به دیگر سخن، شکاف‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای مختص آن جامعه می‌باشد. مفهوم شکاف‌های اجتماعی به نوعی تداعی‌کننده تضاد و تفاوت اجتماعی نیز می‌باشد، زیرا مبنای اصلی شکاف‌های اجتماعی تاکید بر نقاط افتراق و تفاوت‌های موجود در میان گروه‌های اجتماعی می‌باشد. تفاوت‌هایی که در زمینه‌های مهمی همچون ارزش‌ها، نگرش‌های سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی می‌باشد. به همین صورت، تعامل اجتماعی به صورت چشمگیری تحت تأثیر شکاف‌ها قرار دارند (Alishahi, Forouzan and Masoudnia, 2018: 198-199). مفهوم شکاف‌های اجتماعی را می‌توان دارای انواع ذیل دانست:

شکاف‌های فعال و غیرفعال: شکاف‌های غیرفعال، شکاف‌هایی هستند که به رغم موجودیت، تأثیر چندانی بر روند زندگی سیاسی و اجتماعی نمی‌گذارند (Forouzan, Alishahi and Mohammaddoust, 2017: 9). به عنوان مثال شکاف‌های موجود در میان احزاب نه چندان مهم ایالات متحده همچون حزب لیبرترین و حزب سبز از این دسته شکاف‌ها تلقی می‌گردند. اما شکاف‌های فعال، شکاف‌هایی اند که همواره حیات سیاسی گروه‌های مختلف را با چالش‌های مهمی مواجه می‌کنند. در این رابطه می‌توان چالش‌های میان سفیدپوستان و سیاهان ایالات متحده را مثال زد.

در تقسیمی دیگر، شکاف‌ها را می‌توان به دو نوع شکاف ساختاری و شکاف تاریخی (تصادفی) تفکیک نمود. شکاف‌های ساختاری به نوعی از شکاف‌های اجتماعی تلقی می‌گردد که نظام‌های سیاسی، به فراخور برخی از نیازهای پایدار خویش دچار چنین شکاف‌هایی می‌گردند. به عنوان مثال، تقسیم کار همواره نوعی از شکاف‌های اجتماعی را ایجاد می‌کند که مربوط به ساختار یک جامعه است و امر تصادفی به حساب نمی‌آید. اما شکاف‌های تاریخی

حاصل فرآیندهای تاریخی یک کشور محسوب می‌شود و تحولات و تصادف‌های تاریخی در فرآیند شکل‌گیری آنها نقش دارند، مانند شکاف‌های قومی، مذهبی یا شکاف‌های زبانی (Masoudnia and Alishahi, 2018: 182).

شکاف‌های اجتماعی به لحاظ نحوه ترکیب و صورت‌بندی در جامعه، به دو نوع شکاف‌های متراکم و شکاف‌های متقاطع تقسیم می‌شوند. در برخی مواقع شکاف‌ها یکدیگر را تقویت می‌کنند و اثر هم‌افزایی بر یکدیگر دارند که به آنها شکاف‌های متراکم می‌گویند (Saei and Mahdavi, 2014: 26). به‌عنوان مثال، همواره میان این حزب جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها نوعی شکاف ملموس گردیده است. لکن اگر در این میان، بحث دیگری همچون تقویت یا تضعیف رابطه با چین (به‌عنوان مثال) پیش آید که مورد اختلاف بیشتر این دو گروه واقع گردد، شکاف قبلی را تشدید می‌کند، شکاف متراکم شکل می‌گیرد و سطح تضادها و تعارض‌ها افزایش می‌یابد. برخی مواقع نیز شکاف‌ها آثار تضعیف‌کنندگی در ارتباط با یکدیگر دارند که به آنها شکاف‌های متقاطع می‌گویند (Sardarnia and Hosseini, 2014: 41).

واقعیت‌های جامعه آمریکا موید این مطلب است که آثار شکاف‌های اجتماعی در ایالات متحده در پنجاه سال اخیر (سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۸) بیشتر از پنجاه سال پیش بوده است (Shafiei, 2009: 21). این مسأله در عصر کنونی با ورود دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور نومحافظه کار ایالات متحده در عمل تشدید گردید چرا که وی سیاست‌های خود را بیشتر معطوف به عرصه روابط بین‌الملل نمود و به رغم وعده‌هایی مبتنی بر تحقق آمریکای بزرگ در عمل بسیاری از شکاف‌ها در این کشور شدت یافت. نکته مهم در این میان، سیاست‌های پراگماتیستی و شخصیتی ترامپ است که در تشدید شکاف‌ها بی‌تأثیر نبوده است. کما اینکه آلن بدیو^۱ نویسنده آمریکایی در کتاب «ترامپ» معتقد است که رفتارهای او، بیش از آنکه برخاسته از یک شخصیت سیاستمدار باشد، نوعی جهت‌گیری خاص است و رفتارهای او تماماً تعمدانه بوده و شخصیتی کاملاً فاشیستی را تداعی می‌کند و در ابداعی جالب دولت وی را فاشیسم دموکراتیک می‌خواند و در راستای اثبات مدعای خود، ترامپ را شخصیتی مردسالار، خشونت‌طلب، هژمون‌طلب، نژاد پرست و خودخواه می‌داند و این خصائص، دقیقاً در انطباق با یک فرد فاشیستی است (Badiou, 2019: 24).

۳- تاریخچه: مختصری از وضعیت شکاف‌های اجتماعی در ایالات متحده

مسأله شکاف‌های اجتماعی در نظام‌های سیاسی غرب را می‌توان از دهه ۱۹۶۰ به بعد مورد مذاقه قرار داد. در ایالات متحده نیز این مسأله در زمان رانلد ریگان و در دهه ۱۹۷۰ مورد توجه

^۱. Alain Badiou

قرار گرفت. جایی که منافع طبقه متوسط و کارگر علنا در برابر منافع طبقه ثروتمندان تا حد بسیار زیادی مورد اجحاف واقع می‌شد (Andersen and Collins, 2012: 49). در آن بازه زمانی، نظارت دولت ایالات متحده بر سرمایه داران افول فاحشی یافت چرا که بیشتر سرمایه داران صنایع بزرگ و تجار مرفه آمریکایی حامیان اصلی انتخابات ریگان به شمار می‌رفتند و این تعامل دوسویه به نحوی آغاز پررنگ تر شدن شکاف‌های اجتماعی در آن برهه بود (Wodtke, 2016: 9). از طرفی، در سال‌های اخیر، تعمیق بحران‌های اقتصادی در ایالات متحده که از بازار مسکن آغاز گردید و امواج آن به حوزه‌های دیگر همچون بیمه و اشتغال و ... رسید، بسترساز افول شدید طبقه متوسط در این کشور گردید به این صورت که عدم توانایی مالی طبقه متوسط به بازپرداخت وام‌های بانکی این کشور، باعث ثبت و ضبط بخش‌های مهمی از دارایی‌های این طبقه گردید. بانک‌هایی که تحت اختیار طبقه اشراف این کشور قرار دارد (Attanasio and Pistaferri, 2016: 14). به طور کلی دو بازخورد کلان شکاف‌های اجتماعی در تاریخ ایالات متحده به ویژه از پایان جنگ جهانی دوم به بعد را می‌توان در افول شدید سرمایه اجتماعی در این کشور (شکل‌گیری این اندیشه که دولت، در اختیار طیف محدودی قرار دارد) و نیز تضعیف فرآیند دولت-ملت موثر دانست. به نحوی که برخی از ایالات‌های فقیر، بعضاً گروه‌های سیاسی‌ای تاسیس نموده‌اند تا استقلال خود را در صورت تشدید شکاف‌ها و تبعیض‌ها اعلام نمایند (Kuhn and Rios-Rull, 2016: 49).

۴- تجزیه و تحلیل سیاست‌های نژادپرستانه دونالد ترامپ در قبال سیاه‌پوستان آمریکا: از ۲۰۱۶ تا فراگیری پاندمی کرونا

در این بخش تلاش می‌شود تا بر پایه شکاف‌های مورد بررسی، یافته‌های مقاله عرضه گردد.

۴-۱- تعهدات بین‌المللی ایالات متحده در قبال مسأله محرومیت نژادی

از دیدگاه تعهدات بین‌المللی، ایالات متحده عضو کنوانسیون رفع کلیه انواع تبعیض نژادی،^۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ بوده و نیز میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۳ و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان^۴ را به امضا رسانده است (Channing Brown, 2018: 29-31). کمیته منع تبعیض نژادی در هفتاد و دومین نشست خود در ۸ می ۲۰۰۸ در آخرین بررسی که از وضعیت تبعیض نژادی در ایالات متحده به عمل آورده پس از وصول گزارشی که کشورهای عضو طبق ماده ۹ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی، به کمیته ارائه

^۱. The International Convention on the Elimination of Racial Discrimination (ICERD)

^۲. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)

^۳. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR)

^۴. The Convention on the Elimination of all Forms of Discrimination Against Women (CEDAW)

می‌دهند، در مورد برخی از شرایط و اتفاقات موجود در آمریکا ابراز نگرانی کرده‌است. از جمله اینکه از رأی دیوان عالی که برخی از ایالات را از اتخاذ تدابیر تبعیض مثبت بر اساس نژاد باز داشته، به شدت انتقاد کرده‌است. کمیته در این گزارش خود اذعان داشته که اقدامات حمایتی خاص می‌تواند به مثابه ابزاری برای از بین بردن نابرابری‌های پایدار که برخی از گروه‌ها را از برخورداری از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی محروم کرده، استفاده شود و لغو کردن آنها قابل توجه نیست (Watkins, 2016: 64). در نتیجه دوباره تأکید کرده در جایی که شرایط اقتضا می‌کند اتخاذ اقدامات حمایتی خاص ضروری است و به ایالات متحده توصیه کرده باز آن برنامه‌ها را در دستور کار قرار دهد. در بند دیگری از گزارش نهاد یاد شده آمده است که بررسی‌ها نشان می‌دهد که اقلیت‌های نژادی، قومی و ملی خصوصاً سیاه‌پوستان (آفریقا تبارها) بعضاً از شرایط معیشتی بغرنجی رنج برده و آنها عمدتاً در مناطق فقیر نشین بدون دسترسی به خدمات بهداشتی اسکان داده شده‌اند، دسترسی به فرصت‌های شغلی و تحصیلی برای آنها فراهم نیست و عمدتاً در معرض جرم و خشونت قرار دارند. کمیته در این زمینه به شدت احساس نگرانی کرده و توصیه‌هایی برای بهبود وضعیت کرده است. تبعیض نژادی در نظام قضایی نیز از دیگر مواردی بوده که کمیته مزبور از آن انتقاد کرده است از جمله اینکه درصد حضور افراد متعلق به اقلیت‌ها به خصوص آفریقایی تبارها به نسبت جمعیتی که در کشور دارند نامتناسب است و گمان می‌رود این به خاطر رفتار تبعیض آمیزی و خشن تری است که مقامات قضایی نسبت به آنها دارند. در گزارش دیگری آمده است که با وجود اینکه پس از تصویب قانون مدنی ۱۹۶۴ تبعیض‌های قانونی علیه آفریقایی تبارها از سیستم حقوقی حذف شده اما هنوز هم آنها از تبعیض‌های پنهان و غیرمستقیم رنج می‌برند و این وضعیت در بسیاری از بخش‌های زندگی عمومی به چشم می‌خورد (Phillips, 2017: 94-95).

۴-۲- شکاف‌های اجتماعی طبقه سیاهان آمریکایی با تأکید بر اقدامات سیاسی ترامپ

۴-۱-۲- آزادی بیان: وضعیت سیاه‌پوستان ایالات متحده در مسأله آزادی بیان که از اصول لاینفک لیبرال دموکراسی نیز می‌باشد، بسیار اسفناک‌تر است. اعتراضات در ایالات متحده روندی عادی است لکن افراد بازداشت شده پس از اعتراضات، نحوه رسیدگی به دادگاه آنان و در نهایت احکام صادر شده و حبس‌های در نظر گرفته برای سفیدپوستان و سیاهان این کشور نشان‌دهنده تبعیضات گسترده‌ای بوده است. تنها در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ یعنی از سال ۲۰۱۶ میلادی تا سپتامبر سال ۲۰۲۰ میزان دستگیرشدگان سیاه‌پوست بیش از هشت برابر سفیدپوستان بوده است. جالب آنکه پس از دستگیری، دادگاه‌های سیاه‌پوستان نیز در این دوران با تمایزات خاصی نسبت به سفیدپوستان برگزار شده است به این صورت که بیش از ۴۳ درصد سیاه‌پوستان در قیاس با سفیدپوستان از احکام و مجازات سنگین تری (در همان جرم) برخوردار گردیدند. اوج سیاست‌های ضدآزادی بیان ترامپ، دستگیری طیف وسیعی از دانش‌آموزان و دانشجویان سیاه‌پوست

آمریکایی بوده است. در خلال چهارسال اخیر، بیش از ۶۸ هزار نفر دانش‌آموز و دانشجو در ایالات متحده دستگیر شده‌اند که در این میان، رقم حیرت‌انگیز ۷۸ درصد دستگیرشدگان سیاه‌پوستان و دیگر رنگین‌پوستان این کشور بوده‌اند (Plouffe, 2020: 126-129).

۲-۲-۴- احزاب سیاسی: عمده فعالیت‌های حزبی سیاه‌پوستان در ایالات متحده ذیل فعالیت دموکرات‌ها می‌باشد. هیچ‌گونه مجوزی در دادگاه‌های ایالات متحده دال بر فعالیت حزبی به سیاهان وجود ندارد. هرچند از دیرباز رقابت‌های حزبی در ایالات متحده میان دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان بوده است اما بایستی اذعان داشت که جمعیت اندک سیاه‌پوستان (در قیاس با سفیدپوستان)، فقدان نهادگرایی، ضعف ساختاری و مشکلات عدیده اقتصادی چهار عامل بسیار مهمی است که علنا فعالیت‌های حزبی سیاه‌پوستان در ایالات متحده را تا حد بسیار زیادی غیرممکن ساخته است (Maxwell, 2020: 141-142).

۲-۳-۴- حق رای: یکی از شعارهای ترامپ در کارزار انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ میلادی، بهبود اوضاع سیاسی سیاه‌پوستان بوده است. در زمان ریاست جمهوری ترامپ کماکان بیش از ۲ میلیون و سیصد هزار نفر از سیاه‌پوستان آمریکایی حق رای ندارند. این مسأله به انتقاد وسیع سیاه‌پوستان از عملکرد ترامپ منتهی گردید، مدعی این فرضیه را می‌توان با استفاده از نظر سنجی شبکه «ای بی سی» که با همکاری روزنامه «واشنگتن پست» در سال ۲۰۱۹ صورت پذیرفت، راستی‌آزمایی نمود. در این نظرسنجی، ۹۲ درصد سیاه‌پوستان آفریقایی‌تبار مخالف قاطع رویکرد های سیاسی ترامپ در قبال سیاهان به شمار می‌روند. همچنین مقرر شده بود برای سیاه‌پوستان مقیم آمریکا که آمریکایی بودن آنان برای دادگاه فدرال مسجل گردیده است، کارت شهروندی صادر گردد (سیاهانی که تا کنون به هر دلیلی کارت شهروندی رسمی آنان صادر نشده‌بود)، این مسأله نیز از شعارهای مهم ترامپ در دور اول به شمار می‌رفت که پس از ورود به کاخ سفید، هیچ اقدامی برای تحقق آن صورت نگرفت (O'Reilly, 2019: 187-188).

۳-۴- شکاف‌های اجتماعی سیاه‌پوستان با تاکید بر اقدامات اقتصادی ترامپ

از زمان حضور ترامپ تا سال ۲۰۱۹ تعداد سیاه‌پوستانی که در ۸۸ شرکت بزرگ اقتصادی آمریکایی فعال بودند از ۹ درصد به زیر ۴ درصد رسیده‌است از طرفی استخدام سیاه‌پوستان در زمان ریاست جمهوری ترامپ به کمترین میزان در ۴۰ سال گذشته رسیده و میزان بیکاری آنان به بیشترین میزان خود در ۵۰ سال اخیر یعنی رقم ۱۷ درصد رسیده است. این وضعیت در صنایع کوچک نیز به صورت بسیار نامساعدتر است به نحوی که تنها در خلال ماه‌های فوریه ۲۰۲۰ تا آوریل ۲۰۲۰ یعنی کمتر دو ماه، تعداد مالکان سیاه‌پوست آمریکایی تا رقم حیرت‌انگیز ۴۴ درصد کاهش یافته‌اند (Waller & Calyson, 2020: 2-3). از طرفی مقایسه میزان ثروت سیاه‌پوستان و سفید پوستان در خلال ژوئن ۲۰۱۶ تا آوریل ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که سفید پوستان

بیش از بیست برابر سیاهان ثروت خالص دارند و درآمد سالانه سیاه‌پوستان نسبت به سفیدپوستان از ۵۱ درصد به ۳۸ درصد کاهش یافته است. به طور کلی از جمعیت ۳۷ میلیونی سیاه‌پوستان آمریکایی نزدیک به ۲۶ درصد زیر خط فقر زندگی می‌کنند که این میزان تا پایان ماه دسامبر ۲۰۱۹ به میزان ۳۴ درصد رسیده است (Mark, 2020: 18-19). از طرفی محرومیت سیاه‌پوستان و تعمیق شکاف‌های اجتماعی آنان در دوران شیوع ویروس کرونا بسیار ملموس تر بوده است. در حالیکه تنها ۵٫۱ درصد سفیدپوستان آمریکایی با شیوع ویروس کرونا بیمه خدمات درمانی خود را از دست دادند، این میزان در میان سیاه‌پوستان به رقم شگفت‌انگیز ۲۰٫۸ درصد رسیده است. یعنی حدوداً یک پنجم سیاه‌پوستان از طرفی مبتلایان به ویروس کرونا در میان سیاه‌پوستان بیش از ۳ برابر سفیدپوستان بوده است. همچنین، میزان قربانیان ناشی از ویروس کرونا در میان سیاه‌پوستان تا پایان ماه می ۲۰۲۰ در حدود ۲۶ درصد و این میزان در میان سفیدپوستان ۱۱ درصد بوده است. میزان کمبود تجهیزات پزشکی در ایالت‌های کالیفرنیا و نیویورک که میزان جمعیت سیاه‌پوستان نسبت به ایالت‌های دیگر بسیار بیشتر می‌باشد، بیش از ۸ برابر سایر ایالت‌هاست. لذا به همین علت است که ایالت‌های مذکور بحران زده ترین ایالت‌ها در شیوع و مرگ و میر کرونا به شمار می‌روند (Strang, 2020: 71-73). اوج تشدید محرومیت‌های سیاه‌پوستان در دوران کرونا، گذشته از مسائل مرتبط با بیمه‌های درمانی، کمبود تجهیزات پزشکی و تعداد بالای مبتلایان و فوت شدگان، بحران‌های اقتصادی و شغلی ناشی از این فراگیری این ویروس می‌باشد. بیشترین میزان ریسک شغلی (۴۲ درصد کل فرصت‌های شغلی در معرض نابودی) مربوط به سیاه‌پوستان این کشور است که اغلب در مشاغل همچون خدمات اسکان و غذا و فروشندگی خرد فعالیت می‌کنند. این در حالی است که تهدیدات شغلی و اقتصادی برای سفیدپوستان در بدترین حالت حدوداً ۱۸ درصد برآورد شده است. از طرفی، با تشدید تهدیدات شیوع کرونا، تنها در هفته پایانی ماه می، تعداد ۶۳۰ هزار نفر از سیاهان آمریکایی متقاضی تسهیلات بیکاری شدند (Relman, ۲۰۲۰: ۲-۴).

۴-۴- شکاف‌های اجتماعی سیاه‌پوستان در جامعه آمریکا با تاکید بر اقدامات امنیتی ترامپ
در ایالات متحده به صورت نسبی هر ۳۶ ساعت یک سیاه‌پوست از سوی نیروهای پلیس یا امنیتی این کشور به قتل می‌رسد. همچنین بیش از ۵۰ درصد زندانیان ایالات متحده، سیاه‌پوستان این کشور می‌باشند. از طرفی، سفیدپوستان آمریکایی که به قاچاق یا استعمال موادمخدر اقدام می‌کنند بیش از ۵ برابر سیاه‌پوستان می‌باشد این در حالی است که مجرمان سفیدپوستی آمریکایی که به همین دلیل زندانی می‌شوند در مقایسه با مجرمان سیاه‌پوست، یک یازدهم می‌باشد (Sherman, 2018: 433). در زمان ریاست جمهوری ترامپ از سال ۲۰۱۶ به بعد میزان زندانی شدن سیاه‌پوستان تا ۱۸ درصد افزایش و میزان خشونت پلیس نسبت به آنان تا ۳۶ درصد رشد

یافته‌است به نحوی که ۸۵ درصد ایست و بازرسی‌ها مختص سیاه‌پوستان می‌باشد و پلیس فدرال آمریکا به راحتی می‌تواند به آنان مظنون شده و حتی به آنان شلیک کند. بی‌ارزشی سیاه‌پوستان، تهدید، تحقیر و تخریب شخصیتی آنان از سوی پلیس فدرال آمریکا تا حدی است که مسئول تحقیقات حقوق مدنی تگزاس معتقد است: «تیراندازی که سبب مرگ یک سگ شود نسبت به تیراندازی که موجب مرگ یک سیاه‌پوست گردد، بیشتر مورد تحقیق و بررسی قرار خواهد گرفت» (Edwardsa; Leeb and Esposito, 2019: 6-7). این مسأله در ارتش ایالات متحده نیز دیده می‌شود. از زمان حضور ترامپ در کاخ سفید، تقریباً بیش از سه چهارم عملیات‌های نظامی دشوار به سیاه‌پوستان ارتش این کشور احاله گردیده است. گرچه کمتر از ۱۵ درصد جمعیت آمریکا را سیاه‌پوستان تشکیل می‌دهند اما ۴۰ درصد نظامیان ارتش این کشور از سیاه‌پوستان تشکیل شده است این درحالی است که تنها ۴ درصد رده‌های ارشد ارتش ایالات متحده سیاه‌پوست هستند (Hanson, 2020: 366-367).

چنین اقداماتی از سوی ترامپ بسترساز اصلی تعمیق بحران‌های امنیتی برای سیاهان این کشور بوده‌است که این مسأله برای سفیدپوستان آمریکایی نیز نگرانی‌های فزاینده‌ای ایجاد نموده است. در حال حاضر، حدود ۶۷ درصد پلیس ایالات متحده ابراز داشتند که همواره از حمله یک سیاه‌پوست برای انتقام قتل فلویید نگران‌اند. دریک نظرسنجی که از ۳۰ ماه می سال ۲۰۲۰ (حدود دو ماه قبل و به مدت ۱۵ روز از سوی مرکز تحقیقات سیاسی واشنگتن صورت پذیرفت) از هر ده سیاه‌پوست، هشت نفر بحران امنیتی را بزرگترین معضل کنونی خود دانسته‌اند. اوج تشدید ناامنی‌ها تسخیر برخی از ساختمان‌های دولتی شهر سیاتل به دست معترضین بوده است. اقدامی که ترامپ با تهدید به اعزام ارتش به شدت به آن تاخت. به طور کلی هرچند قتل سیاهان در ایالات متحده پدیده نوینی نبوده و در ادامه دامنه اعتراضات وسیعی را به همراه داشته است، اما تبدیل اعتراضات خیابانی به یک شورش داخلی، آن هم در شرایط فراگیر شدن بحران کرونا در ایالات متحده که بیش از ۱۳۰ هزار نفر کشته و بیش از ۴ تریلیون دلار کسری بودجه را به همراه داشته است، می‌تواند پیامدهای بسیار سنگینی را برای ترامپ به همراه داشته باشد. این مسأله زمانی شکل عینی بحران را به خود می‌گیرد که بر اساس نظرسنجی رویترز، بیش از ۷۳ درصد کل آمریکایی‌ها اعم از سیاهان و سفیدپوستان از آن حمایت کرده‌اند و خطرناک تر آنکه ۶۰ درصد هواداران حزب جمهوری‌خواه و ۶۷ درصد افراد مستقل نیز تلویحاً از اقدامات شورشیان حمایت کرده‌اند (Smith; Ax & Kahn, 2020: 1).

۵-۴- بحران‌های دوگانه ناشی از سیاست‌های تبعیض آمیز ترامپ علیه سیاه‌پوستان ایالات متحده
۵-۴-۱- تعمیق شکاف میان دولت-ملت: به تعبیر نویسندگان بسیار بعیداست که محرومیت سیاه‌پوستان به ویژه قتل جرج فلویید، موجب وقوع هرگونه جنگ داخلی یا انقلاب در ایالات

متحده گردد. مدعای این فرضیه را می‌توان به همگرایی بسیاری از سفید پوستان از سیاست های ترامپ علیه سیاهان دانست. به دیگر سخن، بسیاری از سفید پوستان به صورت سیستماتیک خود را برتر از سیاهان آمریکایی می‌پندارند و معتقدند نظام رفاه اجتماعی سفیدپوستان باید در قیاس با سیاهان این کشور از سطوح بسیار بالاتری برخوردار باشد. بنابراین این مسأله که محرومیت سیاه‌پوستان حداقل در کوتاه مدت بستر ساز زوال و سقوط ایالات متحده در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی گردد بسیار بعید به نظر می‌رسد. اما نکته مهمی که نباید از آن غافل شد تعمیق شکاف‌های میان دولت-ملت (طبقه سیاهان) می‌باشد. این مسأله به ویژه با سیاست‌های ناسیونالیستی تبارگرایانه دونالد ترامپ یقیناً تشدید خواهد یافت. این مسأله زمانی ملموس تر می‌گردد که ترامپ به خوبی از حمایت سیاهان از دموکرات‌ها آگاهی دارد، بنابراین به نظر می‌رسد نخستین بازخورد این مسأله تعمیق شکاف‌ها و گسست سیاه‌پوستان از دولت مرکزی باشد. از طرفی بایستی با اقدامات این چنین ترامپ، منتظر تغییرات وسیع در بافت و نحوه توزیع قدرت در این کشور بود. مقصود از تغییر در بافت قدرت، حضور و فعالیت افرادی است که عمدتاً سابقه فعالیت‌های کلان سیاسی و یا سیاست‌گذاری در امور اجرایی نداشته و عمدتاً تاجران و سرمایه داران هستند که از طریق ترامپ وارد عرصه‌های سیاسی شده‌اند و به سمت‌های کلان اقتصادی و اجرایی در سطوح بالایی دست یافته‌اند. این تاجران و سرمایه داران، با سه شاخصه مهم سرمایه‌داری کلان، سفیدپوستی (نژادپرستی) و محافظه کاری شناخته می‌شوند. به همین دلیل، کاخ سفید در حال حاضر در حال تغییر به یک کلونی سرمایه‌داران نژادپرست شده است که مورد بیشترین حمایت‌ها از سوی ترامپ واقع می‌شوند، به نحوی که هم اکنون هندسه قدرت در کاخ سفید علناً به سمت حکومت و ریاست کلان سرمایه‌داران سفیدپوست و محافظه کار سوق یافته است (Wead, 2019: 264-265). مسأله‌ای که اعتراض نزدیک‌ترین مشاوران وی را به همراه داشته و بستر ساز استعفای بسیاری از نزدیکان و به اصطلاح حلقه نخست ترامپ شده است. چنین سیاستی از سوی ترامپ، سه بازخورد مهم داشته است: نخست؛ اتخاذ تصمیمات سیاسی عمدتاً نادرست و شتاب زده در عرصه‌های داخلی، دوم؛ تشدید بیشترین چالش‌های سیاسی در عرصه‌های خارجی با رقبای ایالات متحده همچون جمهوری خلق چین، کره شمالی، ونزوئلا، جمهوری اسلامی ایران، عراق و... و در نهایت افزایش استعفاها و برکناری‌های برخی از نزدیک‌ترین افراد به ترامپ. در کنار این مسأله بحران اقتصادی را نیز بایستی خاطر نشان شد که دولت ترامپ با کسری بودجه بیش از ۴ تریلیون دلاری مواجه گردیده است. چنین اقدامی از سوی ترامپ می‌تواند پیامدهای سنگینی داشته باشد. گذشته از جدایی و طیف استعفاهای پیاپی نزدیکان و نیروهای ترامپ از وی، می‌توان به شکست محتمل وی

در انتخابات آتی ایالات متحده اشاره نمود و حلقه محاصره و انزوای ترامپ را بیش از پیش تنگ‌تر نماید. مسأله‌ای که تونی شوارتز^۱ نویسنده کتاب خاطرات دونالد ترامپ، بر این باور است که حلقه محاصره علیه ترامپ با سرعت غیرقابل باوری رو به پیشرفت است. به همین سبب، شاید اتفاق مهمی به وقوع بپیوندد و ترامپ مجبور شود در انتخابات شرکت نکند. دوران ریاست جمهوری او عملاً پایان یافته است (Douglas, 2020: 103-104).

۴-۵-۲- شکل‌گیری جنبش‌های تندرو سیاهان در آمریکا: دومین بازخورد تشدید سیاست‌های نژادپرستانه ترامپ را می‌توان به شکل‌گیری جنبش‌های افراطی سیاه‌پوستان دانست. مقصود از رادیکالیسم اقدامات مسلحانه علیه دولت نیست، بلکه مقصود ائتلاف و همگرایی کامل سیاهان در سراسر ایالات متحده می‌باشد. یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاه‌پوستان در ایالات متحده را می‌توان فقدان نهادگرایی، ساختارهای سیاسی سازمان‌یافته و نیز عدم ائتلاف سازنده آنان علیه بی‌عدالتی‌های حاکم می‌باشد. به تعبیر نویسندگان، چنانچه بتوان جمعیت ۴۰ میلیون نفری سیاهان آمریکایی که در میان آنان افراد سرشناس و ثروتمند همچون باراک اوباما، کالین پاول، کاندولیزا رایس، دنزل واشنگتن، مایک تیسون، مایکل جردن و ده‌ها نفر از سیاه‌پوستان شاخص وجود دارند، در یک ساختار هدفمند همچون یک حزب و یا حتی یک اپوزیسیون قدرتمند سازماندهی نمود، می‌توان به احیای بخش مهمی از حقوق تضییع‌شده سیاهان امیدوار بود. این مسأله زمانی می‌تواند برای دولت ترامپ و دیگر دولت‌های حامی ناسیونالیسم رادیکال در ایالات متحده پیامدهای خطرناکی داشته باشد که جنبش سیاه‌پوستان با دیگر جنبش‌های موجود در این کشور همچون اسلام‌گرایان که از مهم‌ترین مخالفین دولت ترامپ می‌باشند، به یک ائتلاف سیاسی مهم دست یابند.

نتیجه‌گیری

بسیاری از دانشمندان در قرن نوزدهم بر این باور بودند که جمعیت بشر می‌تواند به نژادهای مختلف تقسیم شود. اصطلاح نژادپرستی این مطلب را تأیید می‌کند که انسان‌ها را می‌توان بر اساس توانایی‌ها و شرایطی دسته‌بندی کرد که به نوبه خود احتمال دارد منجر به تشکیل نگرش سیاسی برای توزیع حقوق و امتیازات بر مبنای این دسته‌بندی شود. نظریه پردازان نژادی اولیه عقیده داشتند که بعضی از نژادها پست‌تر از دیگران هستند و در نتیجه برخورد متفاوت با آنها توجیه داشت. آنها تحقیقات ساختگی علمی را به راه انداختند تا بتوانند فرضیات و پنداشت خود را درباره تفاوت‌های نژادی به اندازه کافی تحت عنوان نژادپرستی علمی تعریف کنند. از طرفی، یکی از دلایل مطرح کردن و اعمال روند نژادگرایی، تضمین سلطه و کنترل گروه یا گروه‌های

¹ Tony Schwartz

نژادی بر سایر گروه یا گروه‌های نژادی است. نژادپرستی و نژادگرایی معمولاً توسط گروه‌های نژادی اکثریت بر گروه‌هایی که اقلیتند اعمال می‌شوند اما با این حال گاهی گروه‌های اقلیت نیز می‌توانند این رویه را در پیش بگیرند. علت اصلی اعمال نژادپرستی توسط اکثریت، بیم داشتن از قدرت گرفتن اقلیت است. گروه اکثریت با استفاده از سلسله مراتب قدرت و ایجاد پروپاگاندا یا بوروکراسی مورد پسند خود، سبب می‌شود تا چهره گروه اقلیت را خدشه‌دار ساخته، موقعیت‌های ارتقاء دهنده اجتماعی را سلب و تصویر ناشایست، ناپسندیده، و فروتری از آن را در بین اجتماع به نمایش بگذارد تا در نتیجه چشمه‌های رشد و شکوفایی آن‌ها در نطفه بخشکد. در دهه‌های گذشته درگیری میان سه نژاد اصلی قفقازی، آسیایی چشم بادامی و سیاه‌پوست همواره وجود داشته که گاه شامل محرومیت‌های اجتماعی ناشی از خودستایی و گاه منجر به نسل‌کشی‌های تحت حمایت حکومت‌ها شده‌است. به عنوان مثال نژادپرستی نازی‌ها را می‌توان در این رابطه ذکر نمود. نژاد پرستی نازی‌ها به کشتار وسیعی در طول جنگ جهانی دوم انجامید. رهبران نازی در مناطق اشغالی شرق لهستان و اتحاد جماهیر شوروی دست به کاری زدند که آن را «خانه تکانی قومی» نامیدند یعنی کشتار و معدوم کردن نژادهای به اصطلاح دشمن، از جمله نسل‌کشی یهودیان اروپایی و نابودی رهبران اقوام اسلاو. بنابراین دریک جمله می‌توان نژادپرستی را احساس ترس یا نفرت از یک انسان تنها به دلیل نژاد یا رنگ پوست یا عناصر دیگری همچون زبان، مذهب، ملیت، تحصیلات، جنسیت یا سن و سال دانست. مسأله مهمی که در این میان وجود دارد نژاد پرستی در جوامع مدرنی است که از قضا با اتکا به اصول لیبرالیسم ساختار نظام‌های سیاسی خود را پیش می‌برند. در این میان، ایالات متحده آمریکا به عنوان یک نظام پیشرفته سرمایه داری که خود را ملزم به رعایت و حراست از حقوق بشر، حقوق مدنی و پایبندی به لیبرالیسم و حق آزادی برای همه انسان‌ها می‌داند نیز در تاریخ حیات سیاسی خود بعضاً رگه‌های برجسته‌ای از نژادپرستی را نشان داده است. اصولاً پیشینه نژادپرستی در آمریکا به شکل‌گیری این کشور و مهاجرت اروپاییان به این سرزمین بازمی‌گردد. سفیدپوستان انگلیسی، فرانسوی و اسپانیایی با مهاجرت به این کشور برای اولین بار، ایده برتری نژاد خود و وحشی خواندن بومیان آمریکایی را مطرح کردند و بدین گونه پدیده نژاد پرستی در این سرزمین آغاز شد اما این مسأله محدود به سرخ‌پوستان و بومیان آمریکا نشد. هنگامی که اروپاییان استعمار قاره آمریکا را آغاز کردند، در فاصله سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی در حدود ۱۵ میلیون سیاه‌پوست آفریقایی توسط تجار برده به قاره آمریکا انتقال یافتند تا در کشتزارها و معادن جدید به کار گرفته شوند. با اعلام استقلال و شکل‌گیری دولت مستقل آمریکا، نژادپرستی نه تنها برچیده نشد بلکه در شکلی جدید ادامه یافت. اگرچه پایان جنگ مردم شمال و جنوب این کشور موجب آزادی میلیون‌ها برده شد، اما نژادپرستی هرگز در جامعه آمریکا از بین نرفت و سیاه‌پوستان همچنان از بسیاری از حقوق مدنی

محروم بودند حتی حق مالکیت برای آنها محدود بود و آنها حق تصدی پست‌های مهم سیاسی را نداشتند. وقوع جنگ جهانی دوم و شرکت گسترده سیاه‌پوستان در مبارزه علیه جبهه متحدین، این امید را در دل این نژاد ایجاد کرد که شاید بتوانند به موقعیتی برابر با سفیدپوستان دست پیدا کنند. اما این امید نیزسرابی بیش نبود. مقاومت در برابر ادغام نژادی همچنان در ایالت‌هایی که در گذشته در آنها برده‌داری وجود داشت، ادامه یافت. به‌همین دلیل مبارزات جنبش‌های آزادی خواهانه سیاه‌پوستان به شکل جدی ادامه یافت تا اینکه منجر به تصویب قانون از میان رفتن تبعیض علیه اقلیت‌ها در حقوق مدنی سال ۱۹۶۴ شد. در حال حاضر نیز محدودیت‌ها و محرومیت‌های بسیار وسیعی علیه آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار در مسائلی همچون حق شهروندی، حق رای دهی، حق مسکن، حق بیمه، حق اشتغال و استخدام و حتی تحصیل وجود دارد. نگرانی‌های فزاینده در مورد تعمیق شکاف‌ها و گسل سیاهان از سفیدپوستان در آمریکا دیده می‌شود به نحوی که به نظر می‌رسد نوعی خیزش دوباره جریان آپارتاید را در این کشور بایستی شاهد باشیم.

جریان نژادپرستی و خودبرتر پندار سفیدپوستان آمریکا، پس از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری این کشور جان تازه‌ای گرفت. درگیری خونینی که در شهر «شارلوتزویل» در ایالت ویرجینیای ایالات متحده میان طرفداران نژادپرستی با مخالفان آنها روی داد، شباهت بسیاری به زد و خورد‌های نژادپرستی آمریکا در نیمه اول قرن گذشته میلادی داشت. در این رخداد راست‌گرایان افراطی شامل گروه‌های نئونازی، سفیدبرتر پندارها، ملی‌گرایان افراطی و حامیان دونالد ترامپ، شعارهای تندی در حمایت از برتری آمریکا، نژاد سفید و علیه مهاجران سردادند. بسیاری از مردم، ترامپ را عامل وقوع چنین حوادثی می‌دانند و می‌گویند او و مشاورانش مستقیم و غیرمستقیم از تحرکات نژادپرستانه حمایت می‌کنند و در اظهارات خود به صراحت عبارت‌های نژادپرستانه به کار می‌برند که نتیجه‌اش بروز چنین حوادثی است. عصبانیت‌ها از ترامپ در حادثه «شارلوتزویل» و در ادامه قتل گارنر و فلویید سیاه‌پوست از سوی نیروهای امنیتی و پلیس فدرال آمریکا زمانی افزایش یافت که مشخص شد اکثریت افراد نژادپرست این تجمع از طرفداران دونالد ترامپ بودند اما او با وجود این که از چنین تجمعی خبر داشت، از طرفدارانش نخواست که در آن شرکت نکنند یا حداقل دست به کارهای خشونت‌آمیز نزنند. ترامپ در پیام‌های خود نیز حاضر نشد راست‌گرایان افراطی را عامل این حادثه بداند و آنها را محکوم کند. از طرفی، سیاست‌های ترامپ با شیوع ویروس کووید ۱۹ یا کرونا وضعیت اقتصادی، سیاسی و امنیتی سیاه‌پوستان در ایالات متحده را با چالش‌های زیادی مواجه گردانید. هرچند شیوع این ویروس در جهان و آمریکا برای بسیاری از افراد به لحاظ اشتغال و اقتصاد ایجاد خسارت‌های فراوانی نمود اما این بحران و خسارت‌ها همانگونه که در طول مقاله ذکر گردید بسیار ملموس‌تر و اثرات مخرب آن چشمگیر تر بوده است چرا که مجموعه سیاست‌های اتخاذ شده ترامپ در زمینه‌هایی همچون بیمه بیکاری، تجهیزات پزشکی، بیمه سلامت و ... در عمل برای سیاهان این

کشور نه تنها دستاوردی نداشت بلکه به طیف های فقیر سیاهان کشور روز به روز افزود.

References

1. Alishahi, A., Forouzan, Y., Masoudnia, H. (2018). The Features of Sadr's Pan-Shiism in the Post-ISIS Iraq. *Iranian Research Letter of International Politics*, 7(2), 193-216. **(In Persian)**
2. Badiou, A. (2019). *Trump*. Chicago: Polity Press.
3. Andersen, L., Collins, P. (2012). *Race, Class, and Gender: An Anthology*, CA: Wadsworth Cengage Learning.
4. Attanasio, O., Pistaferri, L. (2016). Consumption Inequality. *Journal of Economic Perspectives*, 30(2), 3-28.
5. Black, C. (2020). *A President like No Other: Donald J. Trump and the Restoring of America*, New York: Encounter Books.
6. Bonilla-Silva, E. (2017). *Racism without Racists: Color-Blind Racism and the Persistence of Racial Inequality in America*, Maryland: Rowman & Littlefield Publishers
7. Causadias, J., Korous, K. (2019). Racial Discrimination in the United States: A National Health Crisis That Demands a National Health Solution *Journal of Adolescent Health*, 64(1), 147- 161.
8. Channing Brown, A. (2018). *I'm Still Here: Black Dignity in a World Made for Whiteness*, Danvers: Convergent Books.
9. Cooper, H. (2020). *How Trump is Making Black America Great Again: The Untold Story of Black Advancement in the Era of Trump*, New York: Bombardier Books.
10. Date, S. (2020). *The Useful Idiot: How Donald Trump Killed the Republican Party with Racism and the Rest of Us with Coronavirus*, Lavreotiki: Sounion Publishing.
11. Douglas, L. (2020). *Will He Go?: Trump and the Looming Election Meltdown in 2020*, New York: Twelve Publications.
12. Dyson, M. (2020). *Long Time Coming: Reckoning with Race in America*, New York: St. Martin's Press.
13. Enrich, D. (2020). *Dark Towers: Deutsche Bank, Donald Trump, and an Epic Trail of Destruction*, New York: Custom House.
14. Edwardsa, F., Leeb, H., Esposito, M. (2020). Risk of being Killed by Police Use-of-

- Force in the U.S. By Age, Race/Ethnicity, and Sex, *Journal of Proceedings of the National Academy of Sciences*. 116(34), 1-12.
15. Forouzan, Y., Alishahi, A., Mohammaddoust, A. (2017). Explaining the reasons for the divergence between Qatar and Saudi Arabia, *Security Research Quarterly*. (16)59, 5-28. **(In Persian)**
16. Hanson, V. (2020). *Donald Trump and His Assault on Truth: The President's Falsehoods, Misleading Claims and Flat-Out Lies*, New York: Basic Books.
17. Kuhn, M., Rios-Rull, J. (2016). 2013 Update on the US Earnings, Income, and Wealth Distributional Facts: A View from Macroeconomics. *Federal Reserve Bank of Minneapolis Quarterly Review*, 37(1). 46-61.
18. Lachman, G. (2018). *Dark Star Rising: Magick and Power in the Age of Trump*, New York: Tarcher Perigee.
19. Mark, M. (2020). *25 Simple Charts to Show Friends and Family Who Aren't Convinced Racism is Still a Problem in America*. New York: The Business Insider.
20. Maxwell, Z. (2020). *The End of White Politics: How to Heal Our Liberal Divide*, New York: Hachette Books.
21. Masoudnia, H., Alishahi, A. (2018). Explaining the Reasons for the Coup d'etat of 15 July 2016 in Turkey Based on the Theory of Social Gaps. *Quarterly Studies the State*, (4)16, 175-210. **(In Persian)**
22. McKee, C. (2020). *How Obama Failed Black America and How Trump is Helping It: The Dirty Little Secret that the Media Won't Tell You*. Chrleston: Palmetto Publishing Group.
23. Metzl, J. (2020). *Dying of Whiteness: How the Politics of Racial Resentment Is Killing America's Heartland*, New York: Basic Books.
24. Miller, J., Garren, A. (2017). *Racism in the United States, Second Edition: Implications for the Helping Professions*, New York: Springer Publishing Company.
25. Moaddab, R., Ezzati Fardouei, M. (2019). *Interpretive Methods*, Tehran: Pazhouheshgahe- Howzeh- Va- Daneshgah Publications. **(In Persian)**
26. O'Reilly, B. (2019). *The United States of Trump: How the President Really Sees America*, New York: Henry Holt and Co.
27. Phillips, P. (2017). *Blood at the Root: A Racial Cleansing in America*. New York: W. W. Norton & Company.

28. Plouffe, D. (2020). *A Citizen's Guide to Beating Donald Trump*, New York: Frontline.
29. Relman, L. (2020). *Black Americans are Disproportionately Losing their Jobs but Overwhelmingly Support Social Distancing Policies, According to a New Poll*, New York: The Business Insider.
30. Saei, H., Mahdavi, J. (2014). Analysis of the Democratization Process in Afghanistan (1907-2008). *Journal of Historical Sociology*, (6)1, 1-43. **(In Persian)**
31. Sardarnia, K. Hosseini, M. (2014). Social Challenges of Modern State-Building in Afghanistan. *Quarterly Journal of World Politics*, (3)3, 37-63. **(In Persian)**
32. Shafiei, A. (2009). *Social Gaps and Degeneration in American Society*, Tehran: Etedal Publications. **(In Persian)**
33. Sherman, L. (2018). Reducing Fatal Police Shootings as System Crashes: Research, Theory, and Practice. *Journal of Annual Review of Criminology*, 1(1), 421-449.
34. Smith, G., Ax, J., Kahn, C. (2020). Exclusive: Most Americans Sympathize with Protests, Disapprove of Trump's Response - Reuters/Ipsos, *Reuters*. June3.
35. Strang, S. (2020b). *God, Trump, and COVID-19: How the Pandemic Is Affecting Christians, the World, and America's 2020 Election*, Chicago: Frontline.
36. Waller, A., Clayson, J. (2020). Racial Inequality: Black Workers Face 'Devastating Job Loss' During the Pandemic, Study Says. *WBUR Press*, June5.
37. Watkins, D. (2016). *The Beast Side: Living and Dying While Black in America*, New York: Skyhorse Publishing.
38. Wead, D. (2019). *Inside Trump's White House: The Real Story of His Presidency*, New York: Center Street.